

صاحب امتیاز  
و مدیر مسئول  
دکتر اسمعیل  
اردلان.

# کوششنامه

بهیچ حزب  
دسته یا جمعیتی  
بستگی ندارد

تک شماره ۴۰ ریال

شماره ۲۵ نمر ماه ۱۳۳۴

سال اول - شماره ۲۱۰

## اگر اد چه میگویند؟

کشتی شکسته فرمانده لشکر کردستان که از چندی پیش با امواج سهمگین افکار هموس ساختن این منطقه صاف شده هر روز ضربت های سخت عدم رشایت مردم را می بیند دیگر تاب مقاومت ندارد.

معت چند ماهه ناخداان لاجوج از وزش کترین باد مسافه استفاده کرده امین کشتی را دیوار و در این دریای تلاطم بیخون اینکه معلوم باشد « برای چه » ننگهاری کردند.

گله برای مرمت چند روزی آترا به ساحل آورده میدادند بدینرا افکندند بایسته اینکه شاید در این مدت دریا آرام ویا کشتی بوسیده تعمیر گردد.

ولی تیاراب متصدد نشان داد که این کشتی لیاقت شاوروی در این دریا را ندارد.

اینک باز هم با معدادی رسا فریباد میزیم در صورتیکه زمامداران و پال این خونهای نامق را بگردن نگرته خودرا فریخته جنایت و نجاج این مامور مستبد نیبده استند استعا داریم با اعزام هشت بازرسی مصفی در اسرع وقت حنائین را روشن و از ریشتن خون های ناقص صامت بصل آورد.

رئیس مطایبه بهرام بیگی عزیزخان زاده محمود دزلی - رئیس مطایبه مصطفی سلطانی حسن زراعی - محمد شریف الساب

اهالی اورامانات - رئیس مطایبه حسن سلطانی برزو زاده - محمد شریف - عبدالله قاضی سلطان زاده - معز اورامان تخت .

شنا در این هفته تلگرافها و نامه های چندی هم از همذاری ازمالکین شهری واصل شده شکایت نوده امه الاکشان را حسن بیگ زراعی ضبط و تصرف نموده و از اوایی امور تقاضای استرداد الاک خود را نموده اند.

این قسم شکایات وسیله ای بدست فرمانده لشکر کردستان داده که بپانگه آن بر اورامان بنازد تا شاید آتش کینه خویش را فرو نشاند . با کمال سهولت میزبان تایت نمود که این دلجویی فرمانده لشکر برای استرداد ملک چند مالک تهری نیست این شکایات که شاید بدستور خود حضرت مظفر ۱۱ در این موقع با کمال جدیت و بی تاملی تجدید میشود خود نوبه واضعی از تخصص بر نده سازی میباشد.

پس کرات شیخ و غطا های فرمانده لشکر کردستان و ادرامانات نامه کوشمان متکسر کردیم و بدولت و مشورین امور تلگراف دادیم: **توجه و دقت لازم**

بیشاکیه و ولی هم را با سامعه گذرانیده بانکار عمومی توجهی نکرده.

هفته قبل اعلامیه فرمانده لشکر کردستان را که هموس سرگزی هشایر مرزی کردستان دارد با دلایلی از نظر خواننده نان گذرانیده تناضای تلگرافی این اشخاص را هم درج کردیم. این هفته نیز تلگراف دیگری که از آنان رسیده مینما چاپ میکنیم:

مجلس شورای ملی و نوشت وزارت جنگ ریاست ستاد ارتش جناب آقای آمد، جناب آقای سندسلی جناب آقای صدراقی جناب آقای اردلان جناب آقای امیرچنگ جناب آقای قبادیان جریده حکومتستان روزنامه اطلاعات باینکه گزرا در جریان نظریات خود و هر روز سریت هورشد انتشار و خاطر نشان نموده ام متاسفانه در باره رفع تمدنی و جلوگیری از سوء نیت و

از سندسلیج  
بنام آقای حبیب آزاد بود  
فرهنگ در کردستان  
دنباله دعوت باصلاح

انتظار هر ملت از فرهنگ پیش از انتظار است اما که از سایر

شئون ملی و حیاتی خود دارد -

حفظ آداب و سنن و زبان هر ملت بسته به معارف بود و بایلا بر بدن مطیع تمدن در سایه تالیف عالی و تمییم سواد وظیفه صارف است. لیکن باید اذعان کرد که معارف کردستان در ۴۰ سال اخیر خوب کار نکرد یعنی مارا از مدارس و مجامع علمی مانند دارالاحسان و دارالامان و اشخاص ادیب و فاضلی مانند شیخ قادر - ملا علی

ترجانی - حاجی سید حسن چوپی - حاجی ملا احمد نوشی مولوی ( ۶۷ جویزی ) - ناری و غطایا و نویسندگان و غضا طانی مانند شیخ مصد نضر السیاه - ملاحد شیخ الاسلام - شیخ سلاهور ملک الکلام که آثارشان در مصر چاپ و در عالم اسلام تدریس میشود معروف کرد -

زیرا آمده و آن مدارس با زبیب و فر مارا که استادان سخن وران آنرا ستفاهای معمر و عراق را با بیخ میدادند بسته تا بخواهند بجای آن بنای قدیمه ۱۱ ساختن و تنکیکلات اساسی فرهنگی را اصول نوین بسازند اما افسوس چه فکر غیر علمی راه اشتباهی که مامورین ۴۰ ساله با زبردستی و بنوع احسن مولوی در ابعاد آثار کردی کوشیده اند کتب و اخبار مارا جمع آوری و بنام عوزو از فرجه بدست انهدام میرود کتابخانه دکتر سیدخان کردستانی نابود شد و برای همیشه دست بشری از توسل آن کوتاه گردیده

حجابها و تصاویر عالی و مستکبای مردم دارالابالاه مانابود شد در حالیکه مشرول آثار قدیمه صارف است. فرهنگ میبایست با خریداری و جمع آوری آثار شامیر کرد کتابخانه تهیه میکرد زیرا امروز برای مطالعه آن نوشته ها باید بکنایه های اروپا و امریکا مراجعه کرد با از سفرنامه های مستشرقین استفاده نمود.

برای پیشانی بیسهای خارج از نواکت و خلک طلیه روحانی و علمای دین مارا آورده کردند خوب بیاد دارم در سال ۱۳۱۶ با ناسین بک مجلس هتد و تلخ شرکت کشته گان خدای نخواست حکم . . . قرائت نمودند.

و حتی خارطه های مدارج علمی و مجالس مشافره مرحوم مفتی را در مجلس ناصرالدین شاه بفرگ میآورد وقتی مجلس علمی مرحوم ملا ملا فاضل شیخ الاسلام متدر و مسافر بناذوق کرد و در نظر مجلس میسازم با وطنیان کامل تصدیق میکنند که صارف خیالی مقصدرات

بچه در سنه ۳۸

بچه در سنه ۳۸

بچه در سنه ۳۸

بچه در سنه ۳۸

بچه در سنه ۳۸

بچه در سنه ۳۸

بچه در سنه ۳۸

# اخبار داخلی

## اخبار شهرستانها

### وضع دولت

باز هم در آن فتنه تکیه دولت معلوم نگردید؛ توافقی نماندگان شریعت و اعیان حاصل نند.

### فرماندار نظامی راهجا

آقای غلامی به امانت رسیدگی یا در شده است.

### رئیس پست و تلگراف کرمانشاه

آقای غلامی به امانت رسیدگی یا در شده است.

### بخشدار سیه چشمه

آقای کاظم ملکوتی پست بخشداری سیه چشمه (قره عینی) انتخاب شده اند.

### اتوبوس در صحن مجلس

روزی چند تنه مومنی که فرار بود و صحنه تشکیل شود و همه زبانی از نمایندگان در تالار های مجلس حضور یافتند. صدهای بوق و گواز تنه انومیلی در صحن مجلس بود ای را مضطرب نموده معلوم شد راننده اتوبوسی که از حرف شنودی و کلا بکش آمده بود به اتوبوس خود وارد صحن مجلس شده و خواسته است با صدهای بوق شایه و کلا در متوجه سازد که بینه از گوش خود بدون آوردن بوی متوجه اوضاع گردند اگر بجای پتانسیوس اند از بوس هم بجای بر بیو در گوش آفتابان مکتبتر خواهد شد.

### روزنامه محترم کوهستان

چون اخیراً در آن روزنامه مطالبی راجع به بنات اسیران مخصوصاً تیسار سراسر اربعه در حزب نهضت ملی ایران درج شده و خواننده است مقرر فرمایند مطابق قانون مطبوعات شرح زبر را نیز درج نمایند.

حزب نهضت ملی ایران و سایر اعلام مینماید که در این حزب حتی یک نفر اسیر عضویت ندارد و از او راتی که بر حسب مندرجات روزنامه رستاخیز ایران بنامین حزب منتشر شده بی اطلاع میباشد و چنان که بکرات گفته و نوشته شده این حزب هیچ امی تنگنی ندارد.

دیگر یک نهضت ملی کوهستان - راجع به بنات تیسار سر لشکر اربعه در حزب نهضت ملی تاکنون در نامه کوهستان چیزی نوشته نشده است. این نامه وارده فون درج گردید.

### میهنپند

۱- میهنپند میهن را از زبان آزاد کتمد خریداری نموده پتیریز حمل می نماید. ثبیت کتم آزاد در کلان هرتن یکمده و هشت تومان است و در تبریز در حدود ۳۰۰ تومان فروش میرسد.

### مهربان

۱- مهربانی های اخلاقی و دینی چال و پزیران طرف عامه و صفا و مباحث ملا حسین ممین در مسجد بازار سر قرار و تصایح دینی ایشان مورد استقبال شایان مردم واقع گردیدند.

۲- وضع شهرداری بهت نبودن اعتبار خراب و شهر ملو از زباله و کثافات است. ۳- راه دوشومین میانه و ابومیهادی که تحت نظر آقای کریم با ز می هم معماره شده است.

از مشترکین محترم تقاضا میشود از لحاظ کمک به نظم و ترتیب توزیع اگر روزنامه شان فرسید لطفاً ما را مطلع سازند زیرا هر هفته مرتباً روزنامه به آدرس کلیه مشترکین به پست داده میشود.

دو بوی کرمی است از حیث امنیت و رضایت بخش است. ۱- طبلات امین روابط فرهنگی سفر آبیهای خود را و روزهای شنبه مرتباً ادامه میدهد.

۱- شیشه بانگلی در ستر تاسیس شده ولی هنوز برای امر امین حساب باز نشده است. ۲- طبق آسوبوب است هیئت وزیران بخش شش شهرت نام تبدیل و این امر موجب رضایت عمومی و فراهم نموده است از طرف اهالی تاکرا چای تشکری هم معماره شده است.

آینده خاکم خود را در ترک بستر ترک معرنی کرد اظهار تیسور بروسی اگر ادگران آمده از آن میان بروی حکمی باغ نرسدی و حیات گشت و تدانوه تران برادران استور گردانند. ملاقات در چنین معیبه بر گزار شد و تصادفاً در زمستان همان سال هم در جنگی که بین اگر اد و فزون ترک روی داد نش تیسور را در کنار نش اسیری ترک یکجا در گردالی یافتند چند روز پس از ملاقات و تقاضای بوی داد. که معلوم ساخت این ملاقات برای اقل روسای آرادات بوده است.

یک صبح بازر بود. هوا بیاد سحر گاهان بهار شب تم های خود را شاکر زمین کرد چون های بزمده آنها را مانند نظرات درشت موراوید اشک از روی گری های درد نام خود به پایین می غلطاندید اشته آداب؛ ده تازیک شب را در دیده بر فراز ابرها نایده تازه طلیعه روشنی را بر زمین منکس ساشه بود که چند تیر تک در نزدیک وسط سرحدی رکود ترک (بلند و متشابک آن شایک مسائل های کوش و دید. طولی تشدید که منتر فرماندهی کرد و کرد و) که تیر تیرین منطقه مسکونی آرادات بدشمن بود و بیش از سه کیلومتر از سرحد فاصله نداشت هدف دلخواه های تیر قرار گرفت. ترکها نش عهد کرده با اصطلاح خودشان کرده از غلغلیگر نموده بودند. حیثت اسرائیلکه غلغلیکه هم شده بودند زیرا در این موقع نیست زیاد توای آرادات در داخل جنگ تریه مشغول انجام ماموریت های معوله بودند.

# وقایع آرادات

۱- پستان سوری شده. ایلات به قتلان های خود مراجعت کردند شیخ هدایت قادر نیز که همچنان در اطاعت دولت بود در دعوات خود که در جنوب غربی آرادات واقع شده بود سکونت اختیار کرده خانو ده اش نیز از ازمیر آزاد شده نزد او آمده بودند. ۲- ده ای از ایل حمه سوری هم در غربه دکانی کورک و واقع در پشت خط سرحدی و آرادات - ترکیه و در منطقه نفوذ دولت ترکیه را آباد و در آن اقامت گردیدند. ۳- کالی کورک از احاطه مومینت برای ملاقات ها بسیار مناسب بود چند روز پس از آباد شدن ملاقات دوشسته ای در این محل بین روسای آرادات و فرمانده و اسیران با دگان با بزیه بصل آمد. ۴- کمد های ده سیده اسماعیل از واردین پذیرای شایان نبودند این ملاقات در محیط دوشسته ای بر گزار شده از آن چند نغمه هکس روسای طرفین با هم برداشت بودند بیاد کارنامه. ۵- چندی بعد بنا به پیشنهاد حکومت با بزیه، روسای آرادات بسا مشا را له هم ملاقاتی در پشت کالی کورک بصل آوردند. ۶- در این ملاقات - خاکم با بزیه چند نفر از روسای طوایف اگر اد را که مطیع دولت بودند همراه داشت بقی از آن تیسور کسکوی ضمن محبت در مجلس که روسای آرادات حضور داشتند. برای خوش

در اطراف مقاله «ناریچیه نگارش بزبان کردی»

آقای مدیر محترم نامه کوهستان چون موضوع عرض بنده راجع یکی از مباحث تاریخ ادبیات کردی است خواهشمندم با درج آن در یکی از صفحات آرزومندم شریفه قریب منتهای احترام فرمایم تا از خوانندگان محترم برون اشتباه شده و اگر کسی را بدست نیاوریم افزاینی را هم از دست ندهیم.

دوایان سائیه و تارویه تگساروش بران کردی» مندرجه در صفحه ۴ شماره ۱۷ کوهستان نوشته شده و آنچه مانع تشریح و شیروفت انتشار نگارش کردی است بیشتر تفاوت لغات و مصطلحات ناتیجه از اشتلاف خاطر اهل بجات کرده است که اخیراً همه از ادبیات دوسه دست تیسیر لغات برآمده اند و شاید یزاتنه مندرجه این اشکال را مرتفع ننماید و بدین این جمله بنیهای بنده را مقارن کرد زیرا با انتظار فراوانی که ادبیات کردی از مستشرقین داشته و امید و چشمه اشتقاق ازمنام غلطی و تفاوت یطرانها و تفسیح و کیکابوری دقیق آن با دارد و سزاوار و وحایت تمام دانش آتای فرانسوی نیود که مرتی کره از اظهار یک حقیقت که قطعا در تمام ادبیات کردی تاثیر بسزایی میباشد و یک خاطر فراموش نشدنی بشمار میرفت دربار فرمایند چون تالیف شیروفت نگارش اشتلاف و مطبوعات کردی نقطه فشار یحده و حصر مستقیم بود که دست زور و دست را بر دهان نویسنده کار ادبیاتی کرده گشته است.

دویشی خاطر بهیچ نحوی ولو به قیست جان نیز فرست بایشان نهداده اند در راه ترقی ادبیات خود یکقدم بردارند.

آه های موزان و ناله های جان گداز فریادی کرد که قلب هر خواننده را دستار بر رفت و در می آورده همه اشکامات این تفسیح وجود و فشار های مستبدانه است چنانکه بر او ایوانی مرتبه تازه امتیاز و اجازه روزنامه یورپیه بنام ( زاکروس ) بران کردی در دستم که یک قرن الهامه مصوب است داده شده و پیش از آن یکیک شکرده آن مستشرق از انتشارش جلو گیری کردیده بالاتر از این سلاهم اشتراک مطبوعات کردی مجاز نیست و اگر کسی یک بریده کردی بونه خود در نظر زور گوین یک گناه نابخشودنی تلقی شده و بر چه بدین دوستانه ضبط و سواستش نکرده است.

فرهنگ و کردستان

یازدهم ۱

برای آنکه مرتب شناخته نشود آزادی اقتدار روحانیون فزون گذشته و راهرومان آن جنوب میدان تیسیر سیک فرهنگ از قدم به قدم باید با سوابق مسمر و بیروت باشد.

بنیای تأسیس کوهستان و تعلیمات اجباری بزبان زاده یومی هر گاه کسی در مدرسه کردی حرف میرد تیسیه میشد و متوجهینانی شده برای فراوش زبان مادری با تحصیل میکردید این قبیل فشارها با یک دهه ۷ ساله اسم مدرسه و معلوم در نظرش گرا تر از ابشاح خیالی مجسم میباشند.

آزادی زبان رسمی کشور فارسی است بدون پیرایه سیاسی باید دانست که در هران یا چین قبل از مری و انگلیسی زبان میسرایی و چن تدوین میشد و سوس ۳ زبان آلمانی - فرانسوی - ایتالیایی - روسا تدوین میکردند - این تدوین و اقتدار برای چاره و جوی و راه اصلاح ملی است - زیرا تیسیرانی که از محیط تریه دایه یک فشاری برای مانوس مذهب میکردت تست همه مصالین را از درس گریزان و تیسیه قلمان نهادن آموزان و سیزدهای طفلی دهات و شهرهای کردستان را در بر خراجه اسم چنانچه این مشکلات نواقص خاطر غلط تیسیر مری را بدان میفرایم باین تیسیه می-

رسم سخته آذاتیان که بوسله که با دردهات بزور مأمورین اهنیه املاکشان بدوسه میرت با سواد میشدند اینها و هزاران حرامان دیگر است که اغلب طبقات از درس محروم و بالاخره بهمان اسلوب باستانی تحصیل خاص طبقات ستاره بوش مثل اینکه امروز میبینیم عموم دکتر ها - لیسانه ها - دیپله ها صاهکی اولادان استعدادی متعودلی میباشند که پدرانشان با یک کله علم مخصوص تیسیه مسائل بشری کتیب و بیپاشکی و دروش و فیرمه و فیرمه اعزام پسران خود گشایان دیگر و فرتک که قادر تیسیه کلی اولادان خود شده اند. بر اصل علم خود شایان آتی ادبی اجناسی روی غامض یک طبقه اصلاح آلمان خواهد بود.

از طرف دیگر صاف که شایع هنر های زبانی تاکنون که وقت از تمدنگران پارلیامنتک نهداری - قالی بافی و فیرمه ما نشوئی پهل آورد تاکنون که از طایلی دینی با ادبای مافردانی کرد و با بیجا بی آثار آلمان همت گماشت امروز فضلا و نویسنده گان ما در کج غایه یا اوراق نالیله خود سرگرم هستند اسکندون در کردستان با طول هر می ۲۴۰۰۵۰ کیلومتر تیسیر و چود و بیستان نامی ۱۱۱۱ کلاسی و ۴۳ بیستان دوشهر و ده با آن اسلوب و چنه ماعقل در سال مردم را با سواد معاونه کرد دلیلی ندارد دوشهر های مجاور در سال بیستان کامل و دانشرها با بنده و حال آنکه سینه خندانم در اداری آتی کنه معارفی دولتی بود و مستاشان درستانی آن نظام در سال ۱۳۲۲ ابار هله لشکر گردد و در صورتیکه در دینی متشدن بهر نقطه تجاوز شود اینه ملاری از اشتلاف معون بود و درود احترام است که خوب بود وزارت فرهنگ بنام عدالت و مساوات و فردین افرادی که بجای دستبهای حافظ و سمنی هران است (تلاش زبانی) زبان کردستان خریداری و صامیان ها غایه اجبار فرهنگ و اراضی نگهبانهاست و نیکه داشت جعل مصیبتا چهار متر در سال ۱۳۰۶ در نام کردی زیر آذامتدویناری هسینه جنر از تحصیل پوشند - در نام کردی مدارس و عاریت تمام اسم مشاهیر کرد را بسیار نامهای طفلی مسول میکرد زیرا در موسسات فرهنگیم بنام بررگان معرفت زبانی مثلا سکرده چه بیب دارود دیدن مضرانه مستح و نام ستوره شاه فرسیر سکرده بنامند با دبیرستانهای پسرانه کردستان و سفر را بنام های

هلوخسان - اردلان - یاناری - مولوی - مصباح و ملات کلامی نامیده اند. در کردستان مدارس ملی وجود ندارد زیرا مردم ناظر و بیبره اقدامات دولت میباشند - هر گاه بگذر کلیتی ها در آزادی شرط و زبان آزاد باشد در جایگاه دولت که وظایف اش تدوین و تیسیم بودجه معارفی بطور منتصافه و تساری در کشور میباشد درین تواسی بگذرکی محصل ۱۱ همه استیاب مردم از معارف ۱۱ از تومسه موسسات فرهنگیم چه اجرای تعصبات شوری عالی معارف خودداری کند چه اشتغالی را باید از مردم داشت.

من نیکویم زبان کردی بزبان فرانسوی درجه کمال رسیده بلکه اگر درازم ترانسوی دارد سخته باید متعرجا مراتع خود ولی نواقص در برابر اوست و صحت اشتناقات و کثرت لغات یک دی آرایش ما من آن بسیار ناچیز بوده و بهیچ نحوی نویسنده گان را از نگارش هیچ قسم مستعاب باز نیاورد.

میله ( دنگی کتیب تازمه) که بزبان کردی در زمانه کیمت کوهستان اغلب زبانهای آسیایی و اروپایی منتشر میشود چو وقت آزادی مطلب بازمانده و زبان سکری از نوشتن آن کوتاه آمده.

هات تعزبات شکفت آوردی است کردی در یک مدت کسی که آتای مستشرق محترم دوسه مقاله اش اشاره فرموده و آنچه مانع ورود و دستگیریهایی استبداد خود بر دیگرین دلیل و صحت و وسالی زبان کردی است.

انتظار برای قوم کرد همین بس که آنچه مصاف و حوادث و پر اکتد فی و جور و فشار طبقات فرسا را بای اهمیت تفر کرده و بهر تکامل خود را ادامه داده میسر و در زمانه کیمت در این اواخر علی- و دهمر محظور یک دیدش داشته اند دست یک انقلاب بر روی زده بکلی سیک و شیوه ادبیات را تیسیر داده یک شکل حماسی و ملی در آورده خود خود برای ملی واه ترقی و نمایی تیسیر کرده اند. کیکیک آثار ادبی دوره اخیر کردی را مطالعه کنه یکک روح بسیار قوی- میفرود که مغلوب و شکوب دست و زاکار نشه سهل است بسی قویتر گشته ملتفت میشود که بانچه باحوال و اوضاع سیاسی و اقتصادی و موقعیت های جغرافیایی کردستان ادبای کرده در سده خودشان از ساسه- سرایان و همبیین ملل رانیه دست سکیم نهدارند.

اگر بایان شب سه سلیبی باشد عالم بشریت موق شود یکمکل اجتنابی و دوسر کسی حقین بر فرار کنه و قوم کردی نیز در قسبت فرسای و مطبوعات آزادی داشته باشد آنگاه وقت قیبت این زبان آشکار شده و معلوم میشد که علت عدم شیروفت زبان کردی تنها تعصیب و فشار است بقص و نارسالی.

چاپخانه وزارت کشاورزی

### بانوان کرد همدوش برادران خود

عظمت پاستانی کرد را باز می ستانند

دوشاره ۱۶ نامه کوهستان یک بانوی کرد باقلی سادومیرزا اهر که آرایش و طعنه سازی نسبتی از کمونکات لقبی خود را درباره همدمای از برادران خود سرته تحریر در آورده بود

چند نفر از برادران میباید نامه عالی حاکم از قزندی و متناهی نگاشته ضمن شاکی درج بداره روز نامه ارسال داشته بوده ولی با اجازت نمود نگارند

گلان محترم ذیل غلامه ای از هر یک از این نامه ها را از نظر خواننده گوییم

۱- آقای مدین حیدری بنویسند که در شماره ۱۶ آن روز نامه در موضوع ضمن فیش که یکی از احسان سپاس عالی تراوش یافته و دیگری از دانات و عالی تراوش یافته که تیراوش بودی تراوش سایر مطالب نامه گرامی توجه از جلب نبود اولی عبارت از نوشته بکشر بانوی کرد در موضوع ضمن فیهاد و تعیین از برادران این مسلمان که خاطر خواننده را ملو از حس احترام و تنه تراوش نمیزند فکر ناانگه این خواهر میزدن نباید خود در خواست قطع از سر لورز نامه از طرف شرف برادران سوسی بظن نظریات خصوص است که معدها هر بیننده را بیاد دوره دستگامتوری و بیست سال تدار و ظلم و ستمی اندازد و میرساند که آقایان درخواست کنند گان از مبارزه ای که برای حفظ حقوق تحصیل آزادی میهنه در دلبای امروز آملان گردیده می بهره بوده و میخوانند همچنان روح خود گویی حق کشی بر این برادران ستم دیده مکتوما باشد ...

تادروز کرد و تراشه از اهر جیر قاپان تیر بود امروزه شیاری و بیاد برادران از مرله مردان با فراتر ناهودزان و دختران هم از مایاری حیثیت آگاه ساخته است چنانچه نامه بانوی کرد نشانه ماری از آن است

اینجا بگفت ساینده گی نامه گوشتارو دارم حس ختم و سوسر بی پایان جامه کرده بانای و اینکاه خواهر عزیز نگارنده مقاله مدیه دانت از خداوند متعال موافقت چنین خواهری را خواستارم که با فکر تراوش ضمیر دانا فرزندان لایتن به جامه کرداری ای تمیز بنایند و بعدی شاه حافظ بنایند آینه باشند

زه باد بیرون حیثیت و اداسی پاینده یاد مدینت حقوق اعظمی

۲- آقای خیم امیر تارود بخان دختران میان میبایست مقاله حواضر عزیز بانوی کرد را خوانند و از نه دل بان خواهر بانوق و دانشمه آفرینس فرستاد و احساسات عالی مردانه اش

را تریک گنم واقعا جای بسی عسر و میاهد است ملی که نادری و حق شناس حق گفتار - حق دفاع نداشتن شنوات اجتماعی آنان بر معنی شیوات بکنار درها و حال از تیر فرار داده و مکتوم بیروال سوده بودند امروز با کمال آزادی از حقوق خود دفاع بنمایند و احساسات وطن ملت با شهادت نیز بروز داده اند این موهبت در مرطه مردان بیابان مورد سایر موارد دیگر میرسانند زمان عبور کرد که در بروز حق هیچگونه جایز زندگی نداشته اند امروز با نوبت شهادت قد بر گرفته همشوق مردان در تصرفات شتون اجتماعی این ملت تشریک شده است

۳- آقای عبدالله نهری بنویسند: ای خواهر عزیز، ماده پیرش کردستان بر من معلوم شد که کاش میترک وی آرایش مادر کرد را آورده و در افکوش صادر آبرو نمسکند پرورش یافته اید از خدای متعال و توانا خواستارم شما نیز شریک کرد را با بفرزندان نواشید مویران جامه لولان لایتن بروم و پرونده دهید

۴- آقای م. عیون، کوهستان دولی انتشار نامه ملی کوهستان موافقت را باطو بر موی برای همتو خان خود آماده و سوسیه مبارزه با ارتجاع و امپیا ندرده که منتهیره عزیزم بانام حساس بر منش خود بوسیه این را ط مفسد آملان خود آبریز خود را ناهالی میباید برساند و از کساکس آنها انتقار ننوده و سایرین را بر بیخنداد و وحدت تریب فرموده

۵- مایه بسی امیدواری و پیش بینی سعاد آینه کردیده

**کوهستان** - صاحبزادی کرد برشاس و عام بران است، جوانرودی - غیرت - حیثیت - سقیقت - راستگویی - شجاعت و دیگر صفات متنازه کرده تنها در مردان کردی دیده میگازد شده بلکه دران کرد نیز در حفظ این اوصاف خود زیادتیم که از مردان ندراند، معاندان علمهم نابت سوده است که لیکگوسه حواس دادی در زن و مرد بطور تساوی بود کما اسک توابح زنان کرد این مسئله را تألیف نموده است

رای مصلان ذیل نامه ای از سوی کرد ساکن بوکن از نظر خواننده دان خواه گذشت تا خود شود جوانرودی غیرت منحص مردان بیست و دو شماره آینه نیز مقاله ای را که یک دوشیزه کرد از یک زن دهان اطراف مهاساد ارسال داشته درج خواهد بود

### جمع مونس قاسمی بهتر از جمع عذر کرامعی

خواهشندیم با درج این نامه و بدین وجه نسبت به آنما را سادری قبول کنید

شما آن فرزند رشید و دابری هستی که رای دفاع از حق فتنه مادران و خواهران و ارداران خود علم کرده دست زور دیوان و متمدان را میوه غنیمت از جان و مال جامه کرد کردگان کنید، نامه شما سره قاطعی است که بر سر خاتون قلندرها یی عاطفه و بیوه جان کنکور و زدگان بی شربوری و دلکنت فرود آمده و آنها را منکوب و سرکون خواهده ساخت

آری باید هینطور باشد، ملت نجیب ایران قوم غیور کرده و تیبچه رفتار نکتوهیده و خوشدشت و اهمال ناسنجیده همین خاتین عظمت پاستانی خود را از دست داده و تنها با آنکه تانده دست آنها از به کتور باز بسداند و خوشبختی خواهیم رسید

نامه شما آء و ناله است. فریاد استقامت ماست فود میاه سینه های بریابان ماست که از قلم شما بر صفحه کوهستان تراوش کند. شما از برادران و خواهران و مادران دور بوده و سیدانیه چه فتراها و جورها، نامه شما بر حیرتیا بر مارت و چگونگی هستی ما، جان ما، حیثیت ما ندانید، شیم اشتباه کرده و بیعتی خود حق ما پایمال گشته، میایدن آینه قلب شما که از اطمینان حال زار و خاطران حزن انگیز ما غافل بوده ولی مسلوب بین آچه دیدن

خوبه اید هر قدر هم فراوان باشد باز کسی از پیش و گامی از کوهی است

برادر رحید، و زنان دختران گره مادران و خواهران شما هستند شازرا که سرمدت و حفظ و حرمت حیثیت ایشان داره برزندی و برادری خود بدینتره و به مادر بلند پایه و دلبر شما آفرین میگویند

فرزنده فیورما، ناموسی و شرافت ما بسته به هبت مردانگی شاست، آء و ناله ما باید شماو سار برادران را تهیج کند و به غارت آورد و معذرتنا مزدگفته بگوش پشت کرد و لیس میدا - نم خیر و نوالی و تدارا بر روی دست اندازد - بداید ما هم پیش هستیم و باید از حقوق اجتماعی و برتیرت بهره مند شویم - بنویسید و بگویند تا بعضی از فرزندان نیست و ظلم مانده اشرف - صورتها - هل ایستی - و علیرضا شریف و مصطفا حیدری و رجیم زاده را عالی کنید کیستند هنیدمشان چیست

به شما گفته اند نظر های خصوصی دارید پیشی بداران و خواهران خود علائقه هستی و از حقوق آنان دفاع میباید آفرین برشما و بر نظرای خصوصی شما سنگر آن تاپاکه بایند مادر و خواهر ایشان نشیند

ما سه بر مادران شما مبلغ بکثیرا، دوست و ربال و چه اشترک آنها را فرستادیم که با ایشان مشرد دادند، آنها بگویند شرد مادران میان خالو خون بنظند و باز هم بگویند نکوشند

**یکه جگاه ما را بیوشد،** بجای آنها شوشه شاره کوهستان معنوب را به دش نر از مردمان رشید مادر هر جا خیل بود مرستید که بیوزان و نظیده شان زبانه است **از یوکان :**

**شراف غوری - نصرت کرد - حبیب رسولی**

**امثال و تو دبع**

در دین عدت که ایجاب برای استمدای معدد ناسیب کنه باعه موریه و تسویه محاسبیت، بفرمان آمده از اظهار لطف آمانان آریاب دوج سومال تدهان مدیر محترم خصوصاً متشکرم بظن عدم فرصت بدین وسیله تودج و نسبت با احساسات و جوانرودی آقای محترم کربسی از طرف خود اهالی سفر با مردم نلف میساکند ای منشیام

**نماینده نامه کوهستان در سفر - تیمورزاده**

علم آگاهی محمود (تألیف اردستانی)

# گرد و گردستان

۲۰۰

«انتقال پادشاهی ماد به پارس»

پارسها در مومل خود پستی سواحل

خلج پارس از بندر رود با نجار طین

داری اشغال داشته ها با بزاعت و گله

زندگانی کرده اند ولی کس با تاج دولت

دینداری بود اند و با با گلدار دولت

کرد بوده اند که هم تحت اعانه کلمه

با آخور بوده اند که حیوفاقت از خانه خود

تجاوز نکرده اند مگر هم عمامتی سر

سلطه سلاطین عمامتی که بر پارس بود

پادشاهی پارسه است و قلمرو خود را تا

سینین توسعه داده اند تا فاما سار پادشاهان

عمامتی با اینکه بر عیلام هم حکمران

بوده اند ولی غالبیت اطاعت بفرصت های

و پارس حکم کرده با بزبانه و پیر

کوش کبیر است جوت اینکه مورثانه

کلکی کوش کبیر را هنگام خروج بر شاه

«داد» پادشاهی پارس می پستونی گاهی پادشاه

عیلام همین است بر هر دو کوش

مکمران شده است (رجوع بصفحه ۱۹۶)

ایران قدم نایب مردم بر پارس

استقلال کوش پارس از پارس

کبیر شروع میشود و پیش از آن داری

استلال بوده اند رجوع بکتاب تواریخ  
ایام فصل ۳۶ آ ۲۲۰

«پادشاهی کورش کبیر»  
پس از اینکه دولت داد از پرتو  
اقدامات گواکسار در هوشناشوار برسد  
شوکت و اقتدار رسیده بنا بر این در

زمان پادشاهی «آردیباک» کسی باقی نماند  
که دولت ماد را جنبش نمده حکومت پارس  
و عیلام هم دست نشانده خود دولت ماد  
بود بزرگان و پرمشنگان ماد از پرتو

قدرت دولت و آسایش عمومی ثروت و  
مکتب زیاد رسیده روزها و نشت سرد  
بودند فراغت خاطر و فرط آسایش

و سیاسی از مردم هم سبب شوختن خلق  
پادشاه شده مگر کم مقام شخصی پادشاه  
شدت گرفته روز بروز روابط دولت با

ملت سردتر و تیره تر میشد هضم روسای  
سیاه هم داسر و مایوس سپاهیان نیزه  
سخت و بیگار شده بودند دولال این

احوال آشفته اشلال «آردیباک» وزیر  
آردیباک که یونانیان «هارباکس» میگویند  
قلبا از اوضاع کوش و اسواحل شاه دولت

شده کم کم خورده بود دردها نوسدیک  
ساخت بالاخره در یک مجلس خصوصی  
پرای خلق سلطنت از آردیباک بیان بستند  
و همه امضا کردند

در این هنگام کابوزیا داماد آردیباک حکمران پارس و عیلام  
بوده کورش پسرش که خنزه را آردیباک پادشاه دولیات و کلیات و  
زادش شهرتی بسزا پیدا کرده بود و آردیباک سابقا صرما  
و ارجح و نفرت عمومی اوضاع آردیباک و تامل بزمامداری  
او ماکرانی در بدل ساخته بود در مجلس پیمان مذکور نامه  
اعضای شام مغایر بکوش میترسید و بوسینه و گویو به پاسارگاد  
که مرکز کوش پارس بوده میترسند او را دعوت میکنند که با  
ممنشهر خنزه خورا ایگاتان بر سه که لشکر ماد اولمخ  
شواهند شد کورش که یونانیان او را «سوروس» میگویند و  
اوستا «گوی هوسرو» مذکور است دیکسوروس پس از خواندن  
نامه با سران و سرداران سپاه پارس و عیلام داخل ملامت کرده بدالشکر  
پارس و عیلام رهسپار ایگاتان میشود

آردیباک بخش نشین این خنزه که نوه نوه کوش بود  
کرده است سپاه انبوهی بر سرگردگی آردیباک وزیر خود که تمیذ  
دستگیر کردن خنزه را کرده برای سرکوی کورش میفرستد آردیباک  
در حله دوم خنزه را مغلوب ساخته با لشکر ماد بکوش ملحق میشود  
آردیباک از این پیش آمده تمیذ شده خودش شخصا سپاه دین  
جانب کورش حرکت میکنند و در آغاز جنگ شکست میخورد  
و در راه ایگاتان میرساند و در قلعه ایگاتان متحصن میشود سپاه کورش  
ایگاتان را محاصره میکنند بالاخره خنزه را در قلعه شده آردیباک دستگیر و دولت  
ماد سقوط میکند و تمام طلا و نقره و جواهرات ماد به عیلام  
میشود کورش در سال (۵۶۰ ق م) تخت پادشاهی پارس و  
عیلام نشین و در سال (۵۵۰ ق م) همه آنرا فتح کرده است کوش  
پس از تصرف همدان کواکسار دوم پسر آردیباک را که هالی  
میباشد غلام سرداری سپاه داده و واجبونی دختر «آردیباک» داماد  
آردیباک را هم که یونانیان «آرتیبارس» میگویند دختر خاله کورش  
است برنی میگرد

کورش تمام تشکیلات ماد را بطوریکه سابق بود بجا خود  
باقی میگذارد که تصور منازرت و دوگنگی نرود تا پسران و  
سر اران ماد را نوازش میکند اکثر آرتیباک پسر کورش را هر  
حق و سایرین و موجبات صلحی دوگرو «داد» و پارس را که  
دو بازی توانستی خود مرفی میکند فراهم آورد و تا  
قلعه آستور کبیر «داد» ایگاتان و حدت و یکتگی حکمران برده است  
یعنی (لازه بر صفحه ۱۹۷)

یک قرن پس از سقوط دولت ماد باز کلمه «داد» بجای (پارس)  
استعمال شده است زیرا پادشاه ۵۵۸ که مادها (زیرا استعمال کلمه  
پارس با جمله ماد پارس ترغه انصو کبیر تواد بیخ خارجه و دانله  
انتقال سلطنت ماد را جارس یک امر داخلی میدانند که بدست خود  
مادها این امر رخ داده «داد» بجای نیاید نشانده شده یعنی جای فرزند  
شاه ماد نرسد شاه ماد بر تخت داد نشسته است و چندین تائیر تاریخی  
بآن نیده شده حتی اری تئیر را معلما سقوط دولت ماد میدانند چه  
میگویند سقوط دولت ماد با اطلاق کلمه «داد» در دولت کورش مناسفت  
داد در تنی در «داد» ایگاتان و در دولت کورش «داد» را اول دولت  
گفته اند چنانکه در تورا در کتاب خنزه فصل ششم مصرح است  
که با بخت کورش را در پایتخت کوش ماد «توسنه» که کوش پارس  
با کوش ماد «پارس» نام گرفته پس از مرور یک مدت طولانی ادبانی  
پارس باین فکر انداختند که اطلاق دولت «داد» بر کوش «پارس»  
بر تخت آن جلوس وارد کرده خارجه از طرف دیگر هم رعایت  
مادها که نسبت اعظم بودند میسر شود که کلمه «داد» بجا  
شود یعنی کلمه «ماد» شود و بجای آن «پارس» بنشیند تا چار  
با تعلق هر دو گروه جمله «داد» پارس استعمال یافت با شرط تضم  
نظ ماد پارس چنانکه در یک عهد متیق هم بین ترمب کور  
... کتاب استیر فصل یکم آ ۱۹۷ و ۱۹۶ - فصل ششم  
آ ۲۰۷ و کتاب دابابل فصل پنجم آ ۲۸ و فصل ششم آ ۲۰۷  
۱۲ و فصل هشتم آ ۲۱۰ بیستم پس از مدت دیگر باز روسا هر  
دو گروه دیگر کردند جمله «ماد» پارس علاوه بر اینکه طولانی  
است همیشه در موقع استعمال هم در توفیق ایهام دو تانگی میکند  
نظر اینکه هر دو گروه آری ترا دستند کلمه «آردیباک» را که فصل  
پنجم صفحه ۱۹۷

## اثر طبع هزار

### در مدح نامه کوهستان

نماند کوهستان آینه شیرینی تو ورشی بر شنگندای هه دورو  
شوره زنگی گورد بدو نه هانی در ستری به خستی دانه لانی  
توتو و ستری به اندی به پارش و موزدی روز شدی را پوین غلو  
چو نه و بیوهه دره بیابان لانی

\*\*\*

پوت چوک به ری یروزه یروز و ازاد و چا سوسر لوتو کله هوز  
ری سی بالک لاهر شکس چا وازی نه چی به آوات ده گا  
سیرفری گودی توی عمومی شابل صدکی بی بالان لهه و زلال زار  
بازی و دندی بو کردی هزار کندی

\*\*\*

کوهستانی خبی سی نه نوا گای بوینونی کوردان کانی و کانی  
روستانه روی جلی کوردوستان شوبه بیرون روزی کوهستان  
که فرسوی برای بیست ساله چو هه خونه به پادش تووه  
هه تا توستان شده هه مر چا نه کانی

\*\*\*

کورد کوهستان به اوت هه واه لهه نیگان دانم و برانه  
کوهستان پای کوهستان له غلو بوینه هه پاره و پوری هه  
کار واری تویه له پان خه که بویت نه خت دگر بگسه خت کت  
کوهستان باورد هوسیدی قولا شویت پاری لهه و د و به لا  
فرستاده از ایوگان عبد الرحمن شرف کندی

مختصر رسمی نامه کوهستان

از سفر  
تلم قزاقی ذیچاق دشودر

سوال از دولت

آیا سقز جزء ایران سقزی ایرانی هست یا نه؟

بزرگ زندگی میکنند تمدن پذیرند و این مردود بود...  
کردمانند و در فریغ خطه مارلسر کلبائی  
بستان و ولایت بهداری نادر سوزنک  
دوست و صافی نادرده تا کی بر سر بریزه  
پسک پناه برینه آملی دکتر دفتزی پس  
از کتابهای زیادی که سالها ای داداشند  
پرکشت خوانند و اگر بنام رئیس بهمداری  
مهرتدراری و بیارستان شریف داشت از  
سقف قزاقی خود از این تخت خیال مردم  
ناحسی راحت شد که دیگر بجای معامله  
آدم کشی میشود ولی برداشتن آن تنها  
آدمی نیست اعزام پرکشت بهتری ضرورت  
دارد زمستان گذشته چندین نمونه بود  
که هم با که دولت آرا با خون دل تهیه  
میکنند برای سقر فرستادن چون پرکشت  
نداشتیم دست نغمه رده مانده بود و هرچه  
داد زمین حیوانات نظیر گسیبون مستبری  
از او رسانی دولتی کارمندان آئین مردم -  
مضحکین مصلی این دوا تحویل بکنگرا من  
داده خود قبول کرده.

پس از عمل طیب روزه آملی آقای دکتر  
دفتزی دوها و یا بر دیگر ما نشان این  
باید بر گردد البته باید مستر کلبائی  
مخاران بهره مند شود ملت این برزمن  
ولجران واقعی هندهالی این بخش  
دولت و ملید ملت مستهتابتها حرام  
آست باید صرف مخصوص خود مردم  
آیا وزارت بهداری صلاح میداند ببرد  
این هواها را که برود و چرا دوباره به -  
که فرمانهاشان بر کشت نه آبیانتران ما  
والعراقی نداشتند.

هفت هزار نفر در این مردود بود  
زندگی میکنند تمدن پذیرند اقصاء -  
کردمانند و در فریغ خطه مارلسر کلبائی  
بستان و ولایت بهداری نادر سوزنک  
دوست و صافی نادرده تا کی بر سر بریزه  
پسک پناه برینه آملی دکتر دفتزی پس  
از کتابهای زیادی که سالها ای داداشند  
پرکشت خوانند و اگر بنام رئیس بهمداری  
مهرتدراری و بیارستان شریف داشت از  
سقف قزاقی خود از این تخت خیال مردم  
ناحسی راحت شد که دیگر بجای معامله  
آدم کشی میشود ولی برداشتن آن تنها  
آدمی نیست اعزام پرکشت بهتری ضرورت  
دارد زمستان گذشته چندین نمونه بود  
که هم با که دولت آرا با خون دل تهیه  
میکنند برای سقر فرستادن چون پرکشت  
نداشتیم دست نغمه رده مانده بود و هرچه  
داد زمین حیوانات نظیر گسیبون مستبری  
از او رسانی دولتی کارمندان آئین مردم -  
مضحکین مصلی این دوا تحویل بکنگرا من  
داده خود قبول کرده.

شاخ شماری مصحف

هر چند که در این سر زمین عیب و  
غراب است و چندان عیب نیست بنام  
حالیات اشخاص داینز کشها هم کلاه سر  
روایگذاشته میانی عیب بزنند ماشافه  
در اینجا این مدل هم بظهور رسیده.

دادگاه - دادگاه

ایشنل شهرت دارد که وجود ناقص  
از هم بعضی بهتر است ولی دوعورده -  
دادگاه بعضی سقر معلوم مخالف آن حکم  
فرمانت متشکل جمع آوردن دلیل همتک  
تا این موضوع را بلاعمرز شایم دادگاه  
جدید التاسیس مالکگی بظنومین نکرده  
سول است اجاد تجری ظالمین شد آقای  
سجاد بیج اواد خودی مرفوق بنیروای  
از فراق خود دردل هوماهالی نهاده که  
که مگر باوجود ریز خودش آرا التایم  
دهد رفتن ایشان باعث شد که دادگاه  
صورت نفی درآید.

آقای مدیر محترم روزنامه کوهستان

عطف بفرموده شما شماره ۲- ۴۱۸  
۲۴ آن نام ملی واجیع شکایات آقای  
محمد وثیقه کنایچهت رسیدگی بسوموع  
دستور ننگاری این بهک مسفر از نامری  
مستجع مادر گردید خودمانستاشاک  
ایهاک مذکور زمانهای مرصافه  
فرمانده از نامری کل کشور  
سر تیب خردو شود  
کوهستان - از نومه مخصوص اداره

دانشگاه علمیه مشهد  
مهرتدراری و بیارستان شریف داشت از  
سقف قزاقی خود از این تخت خیال مردم  
ناحسی راحت شد که دیگر بجای معامله  
آدم کشی میشود ولی برداشتن آن تنها  
آدمی نیست اعزام پرکشت بهتری ضرورت  
دارد زمستان گذشته چندین نمونه بود  
که هم با که دولت آرا با خون دل تهیه  
میکنند برای سقر فرستادن چون پرکشت  
نداشتیم دست نغمه رده مانده بود و هرچه  
داد زمین حیوانات نظیر گسیبون مستبری  
از او رسانی دولتی کارمندان آئین مردم -  
مضحکین مصلی این دوا تحویل بکنگرا من  
داده خود قبول کرده.

پس از عمل طیب روزه آملی آقای دکتر  
دفتزی دوها و یا بر دیگر ما نشان این  
باید بر گردد البته باید مستر کلبائی  
مخاران بهره مند شود ملت این برزمن  
ولجران واقعی هندهالی این بخش  
دولت و ملید ملت مستهتابتها حرام  
آست باید صرف مخصوص خود مردم  
آیا وزارت بهداری صلاح میداند ببرد  
این هواها را که برود و چرا دوباره به -  
که فرمانهاشان بر کشت نه آبیانتران ما  
والعراقی نداشتند.

هفت هزار نفر در این مردود بود  
زندگی میکنند تمدن پذیرند اقصاء -  
کردمانند و در فریغ خطه مارلسر کلبائی  
بستان و ولایت بهداری نادر سوزنک  
دوست و صافی نادرده تا کی بر سر بریزه  
پسک پناه برینه آملی دکتر دفتزی پس  
از کتابهای زیادی که سالها ای داداشند  
پرکشت خوانند و اگر بنام رئیس بهمداری  
مهرتدراری و بیارستان شریف داشت از  
سقف قزاقی خود از این تخت خیال مردم  
ناحسی راحت شد که دیگر بجای معامله  
آدم کشی میشود ولی برداشتن آن تنها  
آدمی نیست اعزام پرکشت بهتری ضرورت  
دارد زمستان گذشته چندین نمونه بود  
که هم با که دولت آرا با خون دل تهیه  
میکنند برای سقر فرستادن چون پرکشت  
نداشتیم دست نغمه رده مانده بود و هرچه  
داد زمین حیوانات نظیر گسیبون مستبری  
از او رسانی دولتی کارمندان آئین مردم -  
مضحکین مصلی این دوا تحویل بکنگرا من  
داده خود قبول کرده.

هیجان عمومی هنوز دوام دارد  
اضطراب و تشویش که کمالاتین مع  
سایبالت پردرآمد دارد هیجان عمومی که  
از هیجیت پیش آمده و جامعه اشعارات  
ساده مژدمه نام دارد مردم که معیذ  
سپاس تیره مانند اجساد بیروح خانها -

آقای محترم وراث

بناخ ۱۸ مرداد ۱۳۲۴ - آقای فلاهرشا ( زری باق) به  
شسانته، شماره ۳۳۱۸ باستان بکیرک گواهینامه رونوشت شناس  
نامه دادخواست شماره ۱۲۴/ ۴۳۳ داده به ایکنه مرحوم بانو  
بتول ۵ میرزا حسن ۵ دادیه شناسنامه شماره ۲۰۰۶۶ تاریخ  
۱۳۲۴/۱/۱۲ دتبران جایگاه هیشکی شود وفات بانو و متماسی  
شومر و آناه بیانه ( زری باق) شناسنامه شماره ۱۵۰۰۰۰  
دزری یوسف ۵ شناسنامه شماره ۸۴۰۰۰۰ بود ( زری باق) متناس  
نامه شماره ۴۳۲۰ و ۵ احمد زری باق شناسنامه شماره ۱۶۴  
پسران متوفی و وراث منحصرش بیانشه پس از شنیدن خواهی گواهان  
مراتبه نوبت متوالی ایکنه بیگار دوروز نامه وسی گشور شناسنامه  
رووزنامه کوهستان آگهی میشود باگذشتن مدتهاه مله از تاریخ نشر  
و این آگهی و نودن مترخی بر حسب نامنا اقدام خواهد شد و نیز  
اگر کسی موفی از متوفی دارد و ذرفرامت مزبور ابراز اول  
فرموده بانه بعد از زمسی و سری ابراز شود از دوره اخبار سناط  
خواهد بود

دیس کل داد گاههای بخش تهران  
امامی اهری

آقای محترم وراث

بناخ ۱۸ مرداد ۱۳۲۴ - آقای جهان بخش (ارجنه) شناس  
نامه شماره ۱۲۹۸/۴۸۴ باستان بکیرک گواهینامه و رونوشت  
شناسنامه دادخواست شماره ۴۶۷/۱۲۴ داده بایکنه مرحوم  
ابراهیم ارجنه دارنده شناسنامه شماره ۳۹۱ دتاریخ ۲۴ مهرداد  
۱۳۲۲ در تهران جایگاه هیشکی شود وفات بسا و متماسی  
آقایان نامور و هوشنگ و امیر پسران و بانوان فخرالزمان و همین بانو  
ارجنه دختران و بانو طلیعه ارجنه زوجہ دانی متوفی و وراث  
منحصرش میباشد و بعد از طلعه ارجنه دارنده شناسنامه شماره  
۳۷۸ دتاریخ اول فروردین ماه ۱۳۲۴ دتبران جایگاه هیشکی  
شود وفات بانو و آقایان بیانشه متماسی نامور و هوشنگ و امیر  
ارجنه پسران و بانوان فخرالزمان و همین بانو ارجنه دختران و  
و وراث منحصرش میباشد پس از شنیدن خواهی گواهان مراتبه نوبت  
متوالی ملعی بیگار دوروز نامه وسی گشور شناسنامه  
کوهستان آگهی میشود باگذشتن مدتهاه از تاریخ نشر و این آگهی  
نبودن مترخی بر حسب نامنا اقدام خواهد شد و نیز اگر کسی وصیت  
نامه از متوفی دارد و ذرفرامت مزبور ابراز اول فرموده  
بهر از زمسی و سری ابراز شود از دوره اخبار سناط خواهد بود  
دیس کل داد گاههای بخش تهران امامی اهری

دیس کل داد گاههای بخش تهران امامی اهری

آقای محترم وراث

بناخ ۱۳۲۴/۲/۱۳ - بانوه (مرحله) شناسنامه شماره  
۶۰۱ باستان بکیرک گواهان نامور و رونوشت شناسنامه ۸۰۰  
مقیه نامه دادخواست شماره ۲۳۸۱/۱۴۴ داده بایکنه مرحوم منتهی  
عیب قیومی دارنده شناسنامه شماره ۶۰۵ دتاریخ ۱۳۲۴/۱/۱۲  
دتبران جایگاه هیشکی شود وفات بانو متماسی زوجہ دانی و  
مخن شناسنامه شماره ۳۹۹۹۷ فرامتن شناسنامه شماره ۳۷۸  
و رضاشناسنامه شماره ۲۶۸ پسران و ذرفراوشه مرود شناسنامه ۴۵۷۶  
دختر متوفی و وراث منحصرش میباشد پس از شنیدن خواهی گواهان  
مراتبه نوبت متوالی ایکنه بیگار دوروز نامه وسی گشور  
شناسنامه رووزنامه کوهستان آگهی میشود باگذشتن مدتهاه از تاریخ  
شرواین آگهی و نودن مترخی بر حسب نامنا اقدام خواهد  
شد و نیز اگر کسی وصیت نامه از متوفی دارد و ذرفرامت مزبور ابراز  
اول فرموده بانه بعد از زمسی و سری ابراز شود از دوره اخبار سناط  
خواهد بود  
دیس کل داد گاههای بخش تهران امامی اهری

دیس کل داد گاههای بخش تهران امامی اهری

# نامه ما و تلگرافات وارده

**از استلج**  
 آقای حیدر علی دانی راجم وصیت استقامی خود و منافعش را کدر علی ۲۶ سال خدمت به دولت از طرف منشی از متصدیان نسبت با نشان شرحه فعلی نگاشته اند ما برای استحضار از چگونگی کار ایشان و بامه ای که بتوانیم گهر از کار ایشان بکشیم با ادارات مربوطه امر کرده ایم که در ضمن مشاهده با مقرراتی که بر روی آن عمل میکنند هیچ راهی برای کارهای آنها تعیین می‌نمایند و در ضمن فعلی با اینکه بعد از مشاهده آن دست‌کم روشن نیست که در ضمن آن چه ششامه ای مصلوب دارند بدین است ما هم سعی خواهیم کرد اگر مراجعات دیگری باشد از وجود راه کارهای ساخته شده از کمک و کوشش ضایفه شناسیم.

**از قزوین**  
 تلگرافی با منشی: محسن مالکی نصرت نالکی - کرمان علی ویداده مالکی رسید به کمیته که: پس از طی شدن سال ۱۳۲۰ روزبستری بامرض طبعی زده نالی را بدور دلت آقای احمد رفیعی مالک کشوه آباد ناسبتب اغراض شخصی با دیگران و استناده نامشروع از موقعیت زمین المابین که یکی از اراضی آبادی است و اداره سوده که فوت پدر ما را: بل تبدیل و اتمام آنرا بیک هده و با امرود اغراض خود داده در نتیجه زمینات کامل مامورین بخشکاری و صلح و زانداری قروه اشرا، و دسیه روشن سپس مالک نامبرده آقای باقری و پرشک را بدیعل آفرید و عمیدا بادر- آوردن سن از قزوین و تعیینات: نوی و معروضات اشرا آبرو و حیثیت خاندان فقیهان را باقی‌مانده از قزوین استوار شد. گروهی که آقای رفیعی نوی باید رفویان دارد که با مدعی شخصی اقامه دعوی کرده و بنا بر دعوی با دیگران عرض دارد چرا قتل پدر فقیهان و اسیران را بدینجهنجا فدیوان راهتدید می‌نمایند.

در این استلج ع. آشنا شرح مفصلی که راه مع حلیات دستمورستان نوشته بودید معلوم شد و ما حینت و فن دارد دیوانت معلوم که اینها با لائرش راهم رفای دیگر شما که از دست این جانوران نیز بی خوبی فادان بهمانوشه اند می‌باشد از دانش اشاعات جامع و مفید با خود داری اکتید و مطمئن باشید در راه خدمت ما از راهی انما می‌تواند از راه خدمت شما به نوشتن ضایفه شناسی کنیم در آنچه بر روی خود خبیدید که مدعی کوشش به نتیجه خواهد رسید. معیط رفیعی فاسد باشد و هر قدر هم شنیده می‌توانیم بخوانیم اکثریت تشکیل دهند در مقابل سبل افکار اصلاح طلبانه عمومی قادر می‌تواند نخواهد بود نویسد، انکار

مامورین اظهار رضایت موده اند. کوهستان از اوضاع مامورین که حق ضدا را حفظ کرده اند خوشوقت امیدواریم در تمام مراحل این رویه نیک و شرافت‌آمیزانه ادامه دهند. جنس نوردی نشود همانطور که اعمال زشت مامورین بی‌بیشودند که حق خود را به راهم نفردای می‌نمایند. ما با مساعراه آن سقز

دردی و سو. استاده در اداره فله وان سفر بجائی رسیده بود که از طهران دو نفر پیوسته برای رسیدگی اعزام گردید. از افسران اطلاعات و کشته‌های شده که زنده ماندند تا قلعی بدست آورده اند و هده زبانی زده‌بای چند نفر را در این شهر ثابت کرده اند. شایع است آنچه فلا بنه تعیین بیوسته در حوضه جلیغ بکده هشتاد هزار تومان بچید زده شده، و برای مسکوت کردن نفی تا بیزان جیل هزار تومان حاضر شد. اهل سبیل بازرسان را بر چنگ و نه با بیکهفته فلان باورسها مفارقت نودده می‌توان برودند نظیر و حفظ کرده اند. کارشهای متصدیه دیگر هم از طرف هده‌ای اداره فله و نشان تهران داده شده ستی شماره و تعیینات تروان برودند هده در آن فید کرده اند ما این کیفیت با معاصران که در این باب بزده‌بای نام کوهستان موجود است اگر خدای نکرده بازرسان قدری از جاده ایمنت صرف شوند با معارف آسان توان ادیان خواهد بود.

چند هزار خواهشکن از کرمانشاه، از سنج و از سایر پیششاد موده‌اند که اظهار مروت خوانند گایه روزنامه درج نشود زیرا بر واقع است که مردم کرمانشاه و کسانی که من و من بر شس دانته باشند از اشرا فله کوهستان شاد و مسرورند. کوهستان. اگر تریه حال اظهار مروت خوانند که از چندین درامه کوهستان درج شد. برای کتب هجرت یا خود سالی بقیه فقط برای این بوده که می‌توانیم و آتالیه شورت می‌دهد. کوهستان دو زبان کرد و سنجی می‌دارد هاشان ستی شوره. حل که دیگر با یاره سرائی هم خاتمه بامه مالم پیششاد خوانندگان را مورد توجه قرار داده بجای نوشتن در روز نامه به کتابخانه‌ها این نامه بیفاده ما را نشود این کده منتیبا وسیله نامه جواب خواهیم داد زیرا که فقیهان حال از این سبیل خارج است که اظهار مروت بکنند و به معیت او جواب داد با تلگرافی اشای هده‌ای برسد که هم از اظهار مروت مطالب دیگری را بیدود داشت و از لفاظیه نیز: باشد بدینضای وقت جام خواهد شد و اینجوشده هم از این باب که سنده‌ها بود

هده‌ای ارسوران کرد مامور شدند بنطقه حساس و مهم سون‌العش را در حبس کردند بلند آگرمی حفظ نمایند زیرا در هرفشون کنی اولین هدف حله ترکها این نطقه بود تا از این راه منطقه میان - کردها و رشک بی طرف ایران را از اشغال و هوی آزارات و معاصره دانند دهات آزارات تله زدها و چهجا بیان‌های مینه و معاصره هویبایهای ترک در آسمان آزارات شروع بیزاد شده با بس و آتش مسلل های خود بر روی زن و بچه ها میگرد ب های اجل می‌ریختند.

فرمانده کرد با بروی حسکی و بازده نفر بیاده درجای خودمانه حرکات دشمن را نشان میگردند حرکات نواى دشمن طاری بود سکه معلوم نبود دشمنان چه بیت و با کی می‌پوشند

فرمان دوی تهمای خود از خط سرمدی مرفح گرفته بهادران سوار در همان سوالاتی در رفت و آمد بود سله. بیاده نظام دیده نیست و کوله های مسلله هم متوجه آزارات می‌شود حاک شریه در استقامت کافی - کورک بود.

عقب این بود که آقای کورک فقط دارای ۵۰ خانبار حاجت‌مطمین در وقت بوده و بیازده دولت هم در آنجا بدست اشکرا کرده و دود و آزارات بسیار کلام اطلاع داشتند که آنها بر علیه دولت کورک کتب انامی نوشته اند و متوجه این نبردها که در مینه قوای دران از ارگزرانه سخلات اشطار را بدیده بود غلبت می‌کنند کورک بانه. زده شده هده‌ای که بدون رهنه بنای درون و با بسوی آزارات گراوده. داتن عبود آزارات شده و بی‌نطقه شیخ هده اناندر که معطیع دولت بود گزار کرده بناد برودند

طیارات حبلیات خودانامه می‌دادند گوله آزارات با بجه موبیله که هوا بیجا خوده از آمیجور برود از آمین در معتر که کونیک بی‌پادان از سواران ترک برای معاضفت هوا بیجا حرکت کرد و در پشت تپه‌ها از نظر مایه بدگشت.

چنگ تا این ساعت معما تمیز بود ولی چیزی نگذشت که فرمانده کرد از جریان فضا با آگاهی حاصل نمود

شش قبیل تروک کمال کورک را گرفته ترصد بودند نزدیک صبح حله بگشتند.

هفت نفر از هده‌ای کرد حله ایلانی سار کورک بروی حسکی و ملایح افکه یکی از فدایان ملی و دینی کرد بود و در مسج آگری خطبه بام لیدت کرد میهراد از اخلتر که بر بگشتند در ترکیه ای می‌جوارد کالی کورک می‌توانند در مین توه زده بین آنها و چند سربازان زده خورد در میگردید سربازانک جمله هه شان را گرفته بطرف آزارات حرکت میکنند

هده‌ای این چندتیر وحشت و طلفه در سربازان خود شروع می‌کنند

از دهاتیهای بیچاره سه مرد در سه ون و یک بچه چهار ساله در آتش قرار از شش با شلیک مسلسل هاکشته دومرد و یک دختر بچه ساله محرم میگردند

برادر ون حیدر اسمعیل بیاس میمان نوازی چند روز قبل در صدف کشتگان قرار بر میگردند

# کوچهستان

## تشریح از سنج

### قدردانی

جمیت کبری تشکر کامل خود را از زحمات آقای جعفرخان کویس مهابادی در راه آن جریده خوشایند که با درج عین قدردانی در اولین شماره کوچهستان که رابط مسئولان اکراد دیاست نتواند کامل بنمایش عالی گردد ناگزیر در این مستانه عباس آزادیور

## فرهنگ در کردستان

پیاپی شماره ۳

هر حوزه معارفی مانند سایر تشکلات اداری باید از جهت سازمان ماریونی نیز تشکیل گردد. معارف بایستی برای کردستان شصت ساله کلاس متوسطه را دارا کند کویسنگ سالیاری اول بهر زکالی محصل ندانست باشد.

بهتر است اداره فرهنگ مطابق یکده کردستان کابل تهران بوجه معلم - جا برای کردستان اختصاص داده و دبیران را از اعلا سکن و رامت نگهدارد و از سمسار کن که سمسار سال تحصیلی دارم و دیگر این عمل باشد و بعد با نام نداشتن بوجه بیرون دبیر و محصل دانش آموزان را وادار بترک تحصیل با مسافرت به شهرهای دیگر نکند زیرا کلاس مطبوع با نواهی اداری مذکور همان کار از پیش می برد -

**امیدواریم این قسمت مورد توجه مخصوص نماندگان محترم ما واقع گردد** وزارت معارف بجای اتمام سخن و این وزیر و وزارتنی و این آیین بملف مخرج بکسر اساسی بود با نقل و انتقال مأمورین کافی - بصیر - دلسوز تعلیم و تربیت معلمان را منظور نظر نماید و خود را منتظر خواصن نامعادی ظاهر آواسته و تخریب آئین گذارنده گان نکرده با ماره مدعی معسلمان -

تعداد تصدیقهای صادره اساس کار خود را نسیم بوجه معارفی و سازمان آرا اختصاص نهد - و اما فرهنگ با اسلوب پندیده و معالی در این عکس بنهار از هر حیت تأسیس و تشکیل نیاید -

در خانه باید گفت که برای دفع ناراضیاتی ناخوشایند اهالی کردستان سر مودت معینی بوضع مدارس دینی بعد و باین عمل مودت خود را با ۳۵ میلیون مسلمان دنیا از لحاظ تالیف معینی در نظر بگیرد زیرا باصرف و مصرف موقوفات و مساجد از طرف مأمورین معارف و اوقاف شبلی انتظار بیجا و بختی بوجه هیچ دلیل و منطقی قبول نمی کند موسسات مذهبی و کسانیکه باید بتعلیم و تلم امورات مربوطه

بدین و مذهب بپردازند طرز تقییرانه شبیه بگدائی زندگی کنند باین بود اصل کلی نواصن فرهنگ را که درست جریان داشتی آرا از تریله تحت مطالعه قرار دهیم نتیجه پاره صایب میباشیم همه ذکر آن مایه بی اطمینانی از آتی تعلیم و تربیت بوده و این جمله محیر عمدم تقسیم درست بیت المال بدست اعدا کنندگان معرفت و وزارت تربیت نسل آینده بشری باعث سلب ااضاد از آئینه مواهده بود -

## زهای کوچهستان

روزهای دو شنبه منتشر میشود

آبونمان سالانه ۳۰۰ ریال  
تک شماره ۴ ریال  
محل اداره

نهبان بهلوی وو بروی کویچ بیستارن وویری

نظن شماره ۸۳۲۹

اوقات مرابه هر روز صبح از ساعت ده تا ظهر (عیر از اقامت تعطیل)

## اکراد چه میگویند

بایه از شماره ۱

ما این حقایق را می نویسیم تا بدانند این بهایزادی کودکانه دیگر بیکریز و این تشکلات های نامر سازی دیگر در کئی نهارد و بیرون بی جهت است که مردم ملت ایران را در برابر و باجی کردستان مشوش نمود ما می نویسیم تا مشت آنها کمالا با خود ما می نویسیم که دیگر کسی نتواند بدله واه خود بر پر افراذن کرد مامستبدانه و مطرواح فر انروائی کند

ساکتین کردستان میگویند ما معل این ملک کنیم . زانیه آن آب و خاکیم در این جا باید زندگی نسیم و خردسب جا چه باید بکند پروریم لذا تا موقعی که زندامی باید شرافتندمانه زندگانی کنیم .

دم میگویند ما طالب عدل و انصاف و معنیق قانون و ضرورت ملکیم . در مثال قانون سر نسیم فرود میآوریم -

ای شخص تسلیم نشویم و اومر قانونی مامورین دولت را اجرا میکنیم ولی بشایدت ششمی آآن وقت نسیمکنداریم . اگر قانون مارا محکوم بمرگت کند میبریم ولی اگر ششمی کوچکترین توهمی بنا بکنند معاش را حورد میکنیم .

آیا دولت هم از ملت بیش از این باید متوقع باشد؟ سکوت و مسامحه دولت هستی مردم و حیات کشور را بنهاره میانه اود .

**در مورد کردستان دولت باید در اسرع وقت تصمیم کوچکی گرفته باین شکایت مردم وباین ناراضیاتی ها ختم دهد .**

## کرد و کردستان

بایه از شماره ۱

مشترک است و علی السویه بهر مرد اردو ماد و پارس اطلاق میشود برای کشور کورش انتخاب کردند پشی بجای جمله دولت مدو پارس بلکه ملرود آذربان) مورد اسماعیل پاشه که پید برورد نمود آذربان صحیف شده در ایران تنظیم کردید تاریخ عمومی ایند وفق صحنه ۳۱۳ - بطور انحصار کانه در ایران - چنانکه تواریخ دنیا نشان میدهد از مستعبدات اواخر قرن - چهارم - پیش از میلاد است که بر کشور ماد و پارس و توابع آن اطلاق شده و پیش از آن تاریخ سابقه استعمال ندارد و ما همین دلیل است که استعمال جمله دایران است و اگر کرد در ایران نیایند مانی نشینانند که آن را کشور پارس و بخوانند و از ملت کرد صرف نظر کنند .

کورش همانست است از طرف ماد و کرد است و از طرف پندراز قبیه پاساره گزادی است که یکی از قبایل پارس است و شهر باسار گاد بر طبق روایت هرودت با نام این قبایه می شده که در آناست داشته اند کورش یکی از سوبخ دیاست و در دوره او را لقب پادشاه دادند که می میکند کاب انشیا لقب ۱۰۰ - امولم او و آ کرد اید است پشی آتش داد . از قبیل خداداد منبره او دوریک از نراه مراب است که در پندهاد و سالیان معروف است کبیه از کورش بنظم معینی در آبتاموش است مدت سلطنت او تقریباً سی سال است .

## آگهی

بانک ملی ایران برای اینکه تمام اهالی شهر بتوانند باسرع وقت مرابحت بانکی خود را انجام دهند علاوه بر رشیه مرکزی رشیه بازاو بازنده باید در نقاط مختلف شهر بازر کرده است .

- ۱- باز کردن حساب جاری
  - ۲- باز کردن حساب پس انداز
  - ۳- قبول برات همیده شهرستانها و تهران برای وصول
  - ۴- صدور حواله پستی و تلگرافی همیده شبیهها و نشانیده گبها
- بانک ملی ایران در همه و چهارده شهر ایران شبیه و نمایندگی دارد . بانک ملی ایران که بک بنگانه ملی ایرانی است کوشش میکند تا از هر جهت رفاهت مشتریان معترض خود را جلب بنماید و از این جهت از همدم آنها نیست میکند بنایب معترض هم رضایتی از عملیات بانک و باسولک کارمندان آن داشته باشند مراب و انفراد بریس شبیه و با باداره بازرسی کل در اداره مرکزی . شبان فردوسی اطلاع دهنده در تمام پایه ها و شبیهها و نشانیده گبهای بانک مقربان حساب پس انداز باز کرده .

مشرف پس انداز ملی دوهر سال مبلغ هجده ای برسم جایزه میدارند گان حساب تسلیم نمیشاید . ش ۷۲